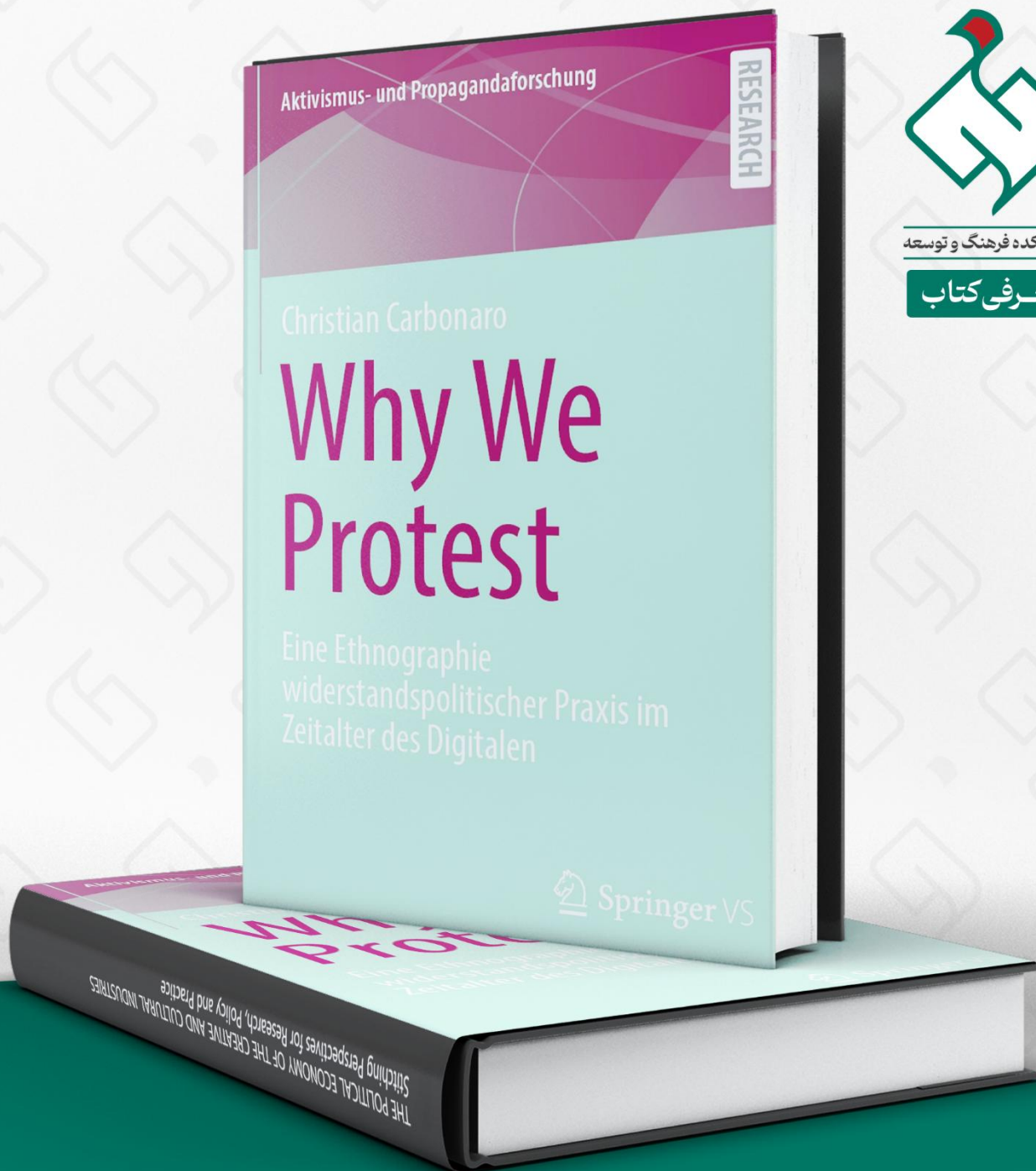




اندیشکده فرهنگ و توسعه

معرفی کتاب

چرا اعتراض می‌کنیم؟

قوم‌نگاری سیاست مقاومت در عصر دیجیتال

۲۰۲۶

اسپرینگر

کریستین کاربونارو



چکیده:

شرایط فرهنگی و سیاسی اعتراض در عصر دیجیتالی شدن چگونه دگرگون می‌شوند؟ این قوم‌نگاری با بررسی عملیات‌های گروه انانیموس با هشتگ‌های #OpTrump و انجمن رز سفید (White Rose Society)، نشان می‌دهد که انانیموس چگونه می‌تواند به مثابه پدیده‌ای سیال و برخوردار از معانی گوناگون، در مرز میان خرده‌فرهنگ، مقاومت، کنشگری و اجتماع شکل بگیرد و دگرگون شود. در این میان، زندگی‌نامه‌ها و جهان‌های زیسته کنشگران، کلید دستیابی به چشم‌اندازهایی تازه درباره جمع‌شدن دیجیتال، کنش سیاسی و تولید معنا و نظم اجتماعی هستند.



۱. فصل ۱ مطالب آغازین کتاب:

مطالب آغازین کتاب زمینه مفهومی و پژوهشی لازم برای ورود به مطالعه قوم‌نگارانه کریستیان کربونارو را فراهم می‌کنند. عنوان کتاب، «چرا اعتراض می‌کنیم»، و زیرعنوان آن، «قوم‌نگاری کنش مقاومتی در عصر دیجیتال»، نشان می‌دهد که مسئله اصلی اثر، بررسی اعتراض به‌مثابه کنشی اجتماعی در بستر تحولات دیجیتال است. نویسنده برای پرداختن به این مسئله، دو نمونه متفاوت را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد: عملیات OpTrump# در بستر انانیموس و انجمن رز سفید. انتخاب این دو مورد امکان بررسی شکل‌های متفاوت سازمان‌یابی، مشارکت و کنش سیاسی را فراهم می‌کند. در این چارچوب، اعتراض نه صرفاً واکنشی به یک رویداد سیاسی و نه فقط مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در فضای مجازی، بلکه فرایندی در نظر گرفته می‌شود که در آن هویت‌های جمعی، معانی سیاسی و روابط اجتماعی شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند. اطلاعات کتاب‌شناختی ناشر، اثر را در حوزه مطالعات کنشگری و تبلیغات قرار می‌دهد و رویکرد آن را در تقاطع انسان‌شناسی فرهنگی، مطالعات رسانه و پژوهش اعتراض مشخص می‌کند.

اهمیت این چارچوب مقدماتی در آن است که خواننده را برای مواجهه با نوعی نگاه فرایندی به اعتراض آماده می‌کند. در چنین نگاهی، برای فهم یک جنبش یا شبکه اعتراضی، شناسایی شعارها، اهداف اعلام‌شده و ابزارهای ارتباطی آن کافی نیست؛ باید بررسی کرد که کنشگران چگونه به یکدیگر پیوند می‌خورند، چه برداشت‌هایی از فعالیت مشترک خود دارند و چگونه میان سرگرمی، مخالفت سیاسی، احساس تعلق و مقاومت ارتباط برقرار می‌کنند. معرفی کتاب نیز بر نقش زندگی‌نامه‌ها و جهان‌های زیسته کنشگران در فهم جمعی‌شدن دیجیتال، کنش سیاسی و تولید معنا و نظم اجتماعی تأکید دارد. بنابراین، چارچوب اثر از ابتدا به فاصله میان تصویر عمومی یک جنبش و تجربه واقعی مشارکت‌کنندگان حساس است. این تمایز در مطالعه گروه‌هایی اهمیت ویژه‌ای دارد که مرزهای عضویت مشخص، ساختار سازمانی پایدار یا رهبری متمرکز ندارند. البته مطالب آغازین به‌تنهایی برای بازسازی جزئیات روش تحقیق، مبانی نظری یا ساختار استدلال نویسنده کافی نیستند؛ این جزئیات باید از متن فصل‌های اصلی استخراج شوند. در نتیجه، کارکرد این بخش را می‌توان فراهم‌کردن زمینه‌ای برای مطالعه تطبیقی اعتراض دیجیتال و شکل‌های اجتماعی آن دانست، نه ارائه نتیجه‌ای مستقل درباره موارد پژوهش.

۲. فصل دوم: جنگ تمام‌عیار علیه دونالد ترامپ





فصل نخست، با عنوان «جنگ تمام‌عیار علیه دونالد ترامپ»، رویدادی رسانه‌ای از بهار سال ۲۰۱۶ را به نقطه ورود به مسئله اصلی کتاب تبدیل می‌کند: اعلام نوعی «اعلان جنگ» از سوی انانیموس علیه دونالد ترامپ. اهمیت این رویداد در روایت کربونارو تنها به موضع‌گیری سیاسی علیه یک چهره انتخاباتی محدود نیست، بلکه به نحوه بازنمایی انانیموس در رسانه‌ها و تبدیل یک پدیده ناهمگون به تصویری یکپارچه مربوط می‌شود. مطابق چکیده رسمی ناشر، پوشش رسانه‌ای این رویداد نمونه‌ای از گفتمان گسترده‌تری است که انانیموس را به صورت موجودیتی واحد، منسجم و متشکل از هکرها بازنمایی می‌کند. چنین تصویری، تفاوت میان مشارکت‌کنندگان، انگیزه‌های آنان و شکل‌های متنوع کنش را کم‌رنگ می‌سازد. در واقع، نام انانیموس می‌تواند مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و افراد با گرایش‌ها و برداشت‌های متفاوت را در یک عنوان مشترک جای دهد، بی‌آنکه لزوماً سازمانی متمرکز یا هویتی ثابت در پشت آن وجود داشته باشد. از این منظر، رویداد مربوط به ترامپ به نمونه‌ای تحلیلی برای بررسی نسبت میان کنش اعتراضی، بازنمایی رسانه‌ای و ساخت اجتماعی هویت یک جنبش تبدیل می‌شود.

مسئله محوری فصل را می‌توان در فاصله میان پیچیدگی کنشگران و سادگی تصویر عمومی از آنان خلاصه کرد. هنگامی که رسانه‌ها یک حرکت اعتراضی را به کنش یک گروه مشخص با هویتی واحد نسبت می‌دهند، ممکن است تفاوت‌های درونی، اختلاف بر سر اهداف و حتی نبود توافق درباره معنای اقدام را از نظر دور کنند. کربونارو در معرفی این پژوهش تأکید می‌کند که کتاب در برابر چنین ساده‌سازی‌ای، به بازسازی شیوه‌های کنش و خطوط تعارض میان مشارکت‌کنندگان واقعی در بستر زندگی روزمره آنان می‌پردازد. بنابراین، پرسش فقط این نیست که چه کسانی علیه ترامپ موضع گرفتند، بلکه این است که چگونه مجموعه‌ای پراکنده از افراد و فعالیت‌ها در قالب یک کنش جمعی قابل شناسایی ظاهر شد و رسانه‌ها چه نقشی در تثبیت این تصویر داشتند. اهمیت این رویکرد برای مطالعات سیاسی و رسانه‌ای در آن است که هویت یک جنبش را امری از پیش موجود و تغییرناپذیر فرض نمی‌کند. هویت جمعی می‌تواند در جریان کنش، بازنمایی و اختلاف شکل بگیرد و دگرگون شود. از همین رو، فصل نخست علاوه بر معرفی موضوع، جهت‌گیری تحلیلی کتاب را نیز مشخص می‌کند: فهم مقاومت دیجیتال از مسیر بررسی تجربه‌های واقعی کنشگران و پیچیدگی روابطی که زیر یک نام مشترک پنهان می‌شوند.

۳. فصل سوم: امر نفرت‌انگیز و امر مقاومتی: تاریخ‌نگاری انانیموس

فصل دوم به خاستگاه تاریخی و فرهنگی انانیموس می‌پردازد و شکل‌گیری آن را در فرهنگ‌های آنلاین مرتبط با وبگاه chan4 بازسازی می‌کند. مسئله اصلی این فصل، توضیح چگونگی گذار از فرهنگی مبتنی بر شوخی‌های هنجارشکنانه، تحریک دیگران و کنش‌های بازیگوشانه اینترنتی به صورتی از کنشگری





سیاسی است. در چنین محیط‌هایی، ناشناس بودن کاربران و فقدان ساختارهای رسمی عضویت، امکان شکل‌گیری شیوه‌های خاصی از تعامل جمعی را فراهم می‌کرد؛ شیوه‌هایی که در آن‌ها اعتبار فردی و هویت تثبیت‌شده اهمیت کمتری داشت و مشارکت در کنش‌های مشترک می‌توانست بدون تعلق به سازمانی رسمی صورت بگیرد. کربونارو در این فصل، پروژه چنولوژی را نقطه عطفی در تاریخ انانیموس معرفی می‌کند. این پروژه در سال ۲۰۰۸ و در واکنش به کلیسای سایتولوژی شکل گرفت و زمینه‌ای فراهم کرد تا بخشی از فعالیت‌های پیشین این فرهنگ آنلاین به شکلی آشکارتر از اعتراض عمومی و کنش سیاسی تبدیل شوند. اهمیت این تحول در آن بود که انانیموس برای نخستین بار به‌عنوان یک صورت اعتراضی با قابلیت دیده‌شدن در مقیاس جهانی مطرح شد. بنابراین، تاریخ این پدیده را نمی‌توان صرفاً تاریخ پیشرفت ابزارهای هکری دانست؛ بلکه باید آن را در ارتباط با فرهنگ مشارکت آنلاین و تغییرات در شیوه‌های کنش جمعی بررسی کرد.

نویسنده در تحلیل انانیموس، بر ماهیت سیال و نهادینه‌ناپذیر آن تأکید می‌کند. در این چارچوب، انانیموس نه سازمانی با اعضای ثابت و اهداف یکسان، بلکه دالی جمعی و چندمعناست که گروه‌ها و افراد مختلف می‌توانند در موقعیت‌های متفاوت به آن ارجاع دهند. این ویژگی، هم امکان گسترش فعالیت‌ها و جذب مشارکت‌کنندگان تازه را فراهم می‌کند و هم منشأ تنش‌هایی درونی درباره ماهیت و جهت‌گیری سیاسی کنش‌هاست. به‌ویژه، گذار از رفتارهای مبتنی بر سرگرمی و آنچه در فرهنگ اینترنتی با اصطلاح «لولز» شناخته می‌شود، به اعتراض سیاسی جدی، لزوماً مورد توافق همه مشارکت‌کنندگان نبود. پژوهش‌های مستقل درباره انانیموس نیز نشان داده‌اند که پروژه چنولوژی به محل برخورد میان گرایش‌های هنجارشکنانه فرهنگ ترولینگ و تمایل به کنشگری سیاسی تبدیل شد. از این منظر، مرز میان امر نفرت‌انگیز و امر مقاومتی در عنوان فصل اهمیت تحلیلی پیدا می‌کند: ویژگی‌هایی که در یک موقعیت به‌صورت تخطی از هنجارها و رفتارهای مخرب ظاهر می‌شوند، ممکن است در موقعیتی دیگر در خدمت اعتراض سیاسی قرار گیرند، بی‌آنکه تنش میان این دو وجه کاملاً از میان برود. دستاورد این فصل، ارائه تصویری غیرذات‌گرایانه از انانیموس است؛ تصویری که در آن، معنای سیاسی یک کنش جمعی نه از نام گروه به‌تنهایی، بلکه از تاریخچه فعالیت‌ها، روابط میان مشارکت‌کنندگان، تعارض‌های درونی و نحوه بازنمایی آن در عرصه عمومی فهمیده می‌شود.

۴. فصل چهارم: خرده‌حوزه: OpTrump# از شوخی اول آوریل تا جنگ سایبری

فصل سوم، طولانی‌ترین فصل از بخش نخست کتاب، به مطالعه موردی عملیات OpTrump# اختصاص دارد و هم‌زمان روش‌شناسی پژوهش را نیز توضیح می‌دهد. موضوع این فصل، شکل‌گیری و تحول فعالیت‌های اعتراضی مرتبط با دونالد ترامپ در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ است؛





فعالیت‌هایی که برخی از آن‌ها با تهدید به حملات سایبری، تلاش برای مختل کردن وبگاه‌های مرتبط با ترامپ و انتشار اطلاعات در فضای آنلاین همراه بودند. عنوان فصل، با قرار دادن شوخی اول آوریل در کنار جنگ سایبری، به ابهامی اساسی در این نوع کنشگری اشاره می‌کند: در محیطی که شوخی، تحریک، نمایش قدرت و اقدام سیاسی به یکدیگر نزدیک می‌شوند، تشخیص مرز میان عملیات نمایشی و اقدام واقعی دشوار است. گزارش‌های هم‌زمان با رویدادها نشان می‌دهند که در مارس ۲۰۱۶، میان مشارکت‌کنندگان مرتبط با انانیموس درباره ماهیت و اجرای عملیات اختلاف وجود داشت. برخی پیام‌ها از جلب توجه رسانه‌ای و جنبه نمایشی اقدام سخن می‌گفتند، درحالی‌که گروه‌های دیگری همچنان از حمله به وبگاه‌های ترامپ حمایت می‌کردند. این اختلاف‌ها نشان می‌دهند که نام مشترک #OpTrump به معنای وجود یک مرکز تصمیم‌گیری واحد یا توافق کامل درباره اهداف و روش‌ها نبود. کربونارو این مورد را بستری برای بررسی نحوه شکل‌گیری، تغییر و فروپاشی کنش‌های اعتراضی در مرز تعامل آنلاین، دیده‌شدن رسانه‌ای و بسیج سیاسی قرار می‌دهد.

اهمیت تحلیلی فصل به بازسازی فرایند کنش جمعی محدود نمی‌شود، بلکه به روش مطالعه آن نیز مربوط است. مطابق چکیده رسمی ناشر، نویسندگان از پژوهش میدانی قوم‌نگارانه در فضاهای دیجیتال برای بازسازی پویایی‌ها و تعارض‌های درونی عملیات استفاده می‌کند و در همین مسیر، دشواری‌های روش‌شناختی قوم‌نگاری دیجیتال را مورد توجه قرار می‌دهد. در چنین رویکردی، پژوهشگر به جای آنکه عملیات را صرفاً بر اساس بیانیه‌های عمومی، گزارش‌های خبری یا نتایج فنی حملات تعریف کند، باید روابط میان کنشگران، برداشت‌های متفاوت آنان از فعالیت مشترک و تغییرات تصمیم‌گیری در طول زمان را نیز بررسی کند. این مسئله در مورد #OpTrump اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا گزارش‌های عمومی ممکن است مجموعه‌ای از اقدامات متفاوت را به موجودیتی واحد نسبت دهند و از این طریق، تصویری منسجم‌تر از واقعیت ارائه کنند. عنوان «خرده‌حوزه» نیز به جایگاه این مورد در پژوهش گسترده‌تر اشاره دارد: #OpTrump نمونه‌ای مشخص برای مطالعه صورت‌های متغیر مقاومت دیجیتال است، نه نماینده تمام فعالیت‌های انانیموس. از سوی دیگر، پیوند میان کنش آنلاین و دیده‌شدن عمومی نشان می‌دهد که اثربخشی یک عملیات را نمی‌توان تنها با موفقیت فنی آن سنجید. جلب توجه رسانه‌ها، جذب مشارکت‌کنندگان، ایجاد اختلاف درون گروه و شکل‌دادن به برداشت عمومی از یک حرکت نیز بخشی از فرایند سیاسی آن هستند. در مجموع، این فصل با ترکیب مطالعه موردی و تأمل روش‌شناختی، امکان فهم دقیق‌تری از اعتراض دیجیتال فراهم می‌کند؛ اعتراضی که مرز میان نمایش و اقدام، میان مشارکت فردی و هویت جمعی و میان سرگرمی اینترنتی و مخالفت سیاسی در آن همواره در حال مذاکره است.

۵. فصل پنجم: آرمان‌ها، اتوپیاها و دستورالعمل‌های انجمن رز سفید





این فصل به مبانی اخلاقی، سیاسی و ایدئولوژیک انجمن رز سفید می‌پردازد و بررسی می‌کند که چگونه یک جنبش اعتراضی می‌تواند بدون برخورداری از جهان‌بینی کاملاً یکپارچه، به مجموعه‌ای از اصول مشترک برای تعریف هویت و جهت‌گیری خود دست یابد. بر اساس چکیده رسمی ناشر، کربونارو انجمن را پدیده‌ای سیال و گفتمانی معرفی می‌کند که مواضع دوپهل و جهان‌بینی‌های ناهمگون در شکل‌گیری آن نقش دارند. در چنین بستری، اصول و دستورالعمل‌های جنبش صرفاً مجموعه‌ای از قواعد اجرایی نیستند، بلکه در تثبیت هویت جمعی و تعیین حدود کنش قابل قبول مشارکت دارند. یکی از موضوعات اصلی فصل، سندی با عنوان «اصول انجمن رز سفید» است که نویسنده کارکرد آن را به متنی شبه مقدس تشبیه می‌کند. این سند می‌تواند برای اعضا مرجعی مشترک فراهم کند، به فعالیت‌های پراکنده معنا ببخشد و معیاری برای ارزیابی رفتار کنشگران به وجود آورد. مسئله از این جهت اهمیت دارد که در گروه‌های فاقد ساختار سازمانی متعارف، اسناد، روایت‌ها و نمادهای مشترک ممکن است بخشی از وظایفی را بر عهده بگیرند که در سازمان‌های رسمی از طریق سلسله مراتب، مقررات مدون و سازوکارهای نظارتی انجام می‌شود. بنابراین، فصل می‌کوشد رابطه میان اصول اعلام‌شده جنبش و فرایند شکل‌گیری هویت و اخلاق جمعی را روشن کند.

وجه مهم دیگر فصل، توجه به نقش روایت‌های شخصی، کاریزما و اسطوره‌سازی در تولید اخلاق جمعی و نمادپردازی جنبش است. کربونارو نشان می‌دهد که اصول سیاسی به‌تنهایی برای توضیح انسجام یک اجتماع اعتراضی کافی نیستند؛ این اصول در ارتباط با تجربه‌های شخصی، شخصیت‌های اثرگذار و روایت‌هایی که اعضا درباره گذشته و معنای فعالیت خود می‌سازند، به نیرویی اجتماعی تبدیل می‌شوند. از این منظر، آرمان‌های یک جنبش صرفاً اهدافی برای آینده نیستند، بلکه در زندگی روزمره اعضا نیز معنا پیدا می‌کنند و بر شیوه تعامل، ارزیابی دیگران و تعریف مرزهای تعلق اثر می‌گذارند. در عین حال، وجود اصول مشترک لزوماً به معنای توافق کامل نیست. تفاوت در برداشت‌های سیاسی و اخلاقی می‌تواند به اختلاف بر سر تفسیر دستورالعمل‌ها، حدود مشروعیت کنش و چگونگی تحقق آرمان‌ها منجر شود. چکیده رسمی فصل نیز بر همین نقش دوگانه اصول ایدئولوژیک تأکید دارد: آن‌ها هم پویایی جنبش را سازمان می‌دهند و هم در شکل‌گیری تفاوت‌ها و تعارض‌های درونی آن دخیل‌اند. اهمیت تحلیلی این بحث در آن است که هویت جمعی را نتیجه ساده پذیرش یک مجموعه عقاید مشترک نمی‌داند. هویت در فرایند تفسیر، بازگویی، اختلاف و بازتعریف اصول شکل می‌گیرد. به این ترتیب، فصل پنجم نشان می‌دهد که مطالعه آرمان‌های سیاسی زمانی کامل‌تر می‌شود که ارتباط آن‌ها با تجربه زیسته کنشگران، روابط قدرت درون گروه و شیوه‌های تولید معنا نیز بررسی شود.

۶. فصل ششم: خرده‌حوزه انجمن رز سفید: پیشنهادها و شبکه‌سازی





فصل ششم کتاب، که در ترتیب ارائه این بخش در جایگاه دوم قرار می‌گیرد، به پیدایش انجمن رز سفید، پیشینه‌های فرهنگی و سیاسی آن و فرایند شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطی جنبش اختصاص دارد. مطابق چکیده رسمی ناشر، نویسنده خاستگاه این انجمن را در محیط پیرامونی انانیموس بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه انجمن به تدریج از نمادها، شیوه‌های کنش و منطق سازمان‌یابی انانیموس فاصله گرفته است، بی‌آنکه پیوند خود را به طور کامل با آن قطع کند. این رابطه برای فهم ماهیت انجمن اهمیت اساسی دارد؛ زیرا شکل‌گیری آن را نمی‌توان به پیدایش ناگهانی یک سازمان مستقل و بی‌ارتباط با فرهنگ‌های اعتراضی پیشین تقلیل داد. در عوض، با فرایندی مواجهیم که در آن، شیوه‌های موجود مشارکت و کنش جمعی به تدریج بازتعریف می‌شوند و صورت تازه‌ای از سازمان‌یابی را پدید می‌آورند. کربونارو در این فصل به کنشگران محوری، برداشت آنان از هویت گروه و شیوه‌های تبدیل فعالیت‌های فردی به نوعی کنش جمعی می‌پردازد. از این منظر، شبکه‌سازی صرفاً به معنای افزایش تعداد ارتباطات یا گسترش حضور در شبکه‌های اجتماعی نیست، بلکه فرایندی است که طی آن روابط، انتظارات متقابل و برداشت مشترک از تعلق به یک اجتماع شکل می‌گیرند.

یکی از نکات مهم این فصل، تمایز میان انجمن رز سفید و عملیات‌های متعارف انانیموس است. انانیموس اغلب با کنش‌های مقطعی، استفاده از هویت مشترک و نبود رهبری رسمی شناخته می‌شود؛ اما بررسی انجمن رز سفید نشان می‌دهد که یک حرکت اعتراضی برآمده از چنین زمینه‌ای می‌تواند به شکل‌های متفاوتی از تداوم ارتباط، تعامل و تعریف هویت دست پیدا کند. بر اساس معرفی ناشر، کربونارو انجمن را پدیده‌ای ترکیبی و متمایز در فرهنگ اعتراض معاصر صورت‌بندی می‌کند که فعالیت‌های آنلاین و آفلاین در شکل‌گیری آن نقش دارند. در چنین ساختاری، شبکه‌های ارتباطی فقط ابزار انتقال پیام نیستند، بلکه زمینه‌ای برای شناسایی اعضا، شکل‌گیری اعتماد، مذاکره بر سر جهت‌گیری سیاسی و تثبیت شیوه‌های مشترک فعالیت فراهم می‌کنند. باین‌حال، فاصله‌گرفتن از الگوهای پیشین به معنای گسست کامل از آن‌ها نیست؛ نمادها و عادت‌های فرهنگی می‌توانند حتی پس از تغییر شکل سازمان‌یابی همچنان در هویت جنبش حضور داشته باشند. این مسئله امکان بررسی چگونگی انتقال و بازآرایی سنت‌های اعتراضی را فراهم می‌کند. اهمیت فصل در نهایت به توضیح این فرایند بازمی‌گردد که چگونه یک گروه از دل شبکه‌های پیشین بیرون می‌آید، مرزهای متمایز خود را شکل می‌دهد و در همان حال بخشی از میراث فرهنگی و سازمانی خاستگاه خود را حفظ می‌کند.

۷. فصل هفتم: آنلاین و در محل: کنش مقاومتی میان جهان آنالوگ و دیجیتال

فصل هفتم به شیوه‌های عملی اعتراض و مقاومت انجمن رز سفید می‌پردازد و نشان می‌دهد که فعالیت سیاسی این گروه را نمی‌توان به حضور در فضای مجازی یا انتشار پیام‌های اعتراضی در شبکه‌های





اجتماعی محدود کرد. مطابق چکیده رسمی ناشر، کربونارو مجموعه‌ای از عرصه‌های کنش خارج از محیط دیجیتال، تولید رسانه‌های جایگزین و تلاش برای حضور مؤثر در فضای عمومی را بررسی می‌کند. این فعالیت‌ها از تظاهرات و مداخله‌های رسانه‌ای تا شیوه‌های متنوع نمایش و اجرای اعتراض را دربرمی‌گیرند. در این چارچوب، فضای آنلاین و محیط فیزیکی دو قلمرو مستقل و جدا از یکدیگر نیستند، بلکه در شکل‌گیری و استمرار کنش اعتراضی با هم ارتباط دارند. فعالیت دیجیتال می‌تواند به گسترش پیام، ایجاد ارتباط میان مشارکت‌کنندگان و سازمان‌دهی اقدامات کمک کند؛ در مقابل، حضور فیزیکی در فضای عمومی امکان می‌دهد که اعتراض از محدوده ارتباطات آنلاین فراتر رود و در محیط اجتماعی قابل مشاهده شود. توجه به این پیوند، رویکردی متفاوت با دیدگاه‌هایی ایجاد می‌کند که فناوری دیجیتال را به‌تنهایی عامل اصلی تحول اعتراض می‌دانند. در عوض، پرسش این است که کنشگران چگونه از امکانات مختلف ارتباطی و رسانه‌ای استفاده می‌کنند و چگونه میان آن‌ها ارتباط برقرار می‌سازند. به این ترتیب، فصل ششم بر چندگانگی شیوه‌های مقاومت تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که فهم اعتراض معاصر مستلزم توجه هم‌زمان به ابزارهای ارتباطی، روابط اجتماعی و مکان‌هایی است که کنش سیاسی در آن‌ها تحقق پیدا می‌کند.

وجه مهم دیگر این فصل، بررسی نقش تجربه‌های مشترک، روایت‌های شخصی، طنز، کنایه و فعالیت‌های روزمره در شکل‌دادن به فرهنگ اعتراضی است. در تحلیل کربونارو، اعتراض تنها مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند برای دستیابی به نتایج سیاسی نیست، بلکه فرایندی فرهنگی نیز هست که از طریق نمادها، آیین‌ها و شیوه‌های خاص تعامل میان اعضا معنا پیدا می‌کند. طنز و کنایه می‌توانند شیوه‌ای برای فاصله‌گرفتن از زبان رسمی قدرت، بازتعریف نمادهای مسلط و تقویت احساس تعلق به یک اجتماع باشند. همچنین، تجربه مشارکت در فعالیت‌های مشترک می‌تواند روابط میان کنشگران را مستحکم کند و هویت جمعی را فراتر از توافق بر سر اهداف سیاسی گسترش دهد. چکیده رسمی فصل بر اهمیت نمایش اجرایی اعتراض نیز تأکید دارد؛ مفهومی که توجه را به این موضوع جلب می‌کند که کنش سیاسی علاوه بر محتوای پیام، از طریق شیوه ارائه، حضور در مکان عمومی و استفاده از نشانه‌های قابل مشاهده نیز عمل می‌کند. در این نگاه، نمادها و آیین‌ها صرفاً عناصر تزئینی یا ابزارهای تبلیغاتی نیستند، بلکه در سازمان‌دهی تجربه جمعی و استمرار جنبش نقش دارند. پیوند میان فعالیت‌های آنلاین و آفلاین نیز به همین دلیل اهمیت پیدا می‌کند: آنچه در فضای دیجیتال منتشر می‌شود، ممکن است در کنش حضوری بازتفسیر شود و تجربه‌های حاصل از حضور فیزیکی نیز بر ارتباطات و روایت‌های آنلاین اثر بگذارند. دستاورد این فصل، گسترش مفهوم مقاومت از اقدام سیاسی آشکار به مجموعه‌ای از رویه‌های ارتباطی، فرهنگی و اجتماعی است که در کنار یکدیگر، امکان تداوم و بازتولید کنش جمعی را فراهم می‌کنند.





۸. فصل هشتم: روابط میان فردی: انجمن رز سفید به مثابه فضای اجتماعی

فصل هفتم، با تمرکز بر روابط میان فردی، انجمن رز سفید را نه صرفاً مجموعه‌ای از افراد دارای مواضع سیاسی مشترک، بلکه فضایی اجتماعی بررسی می‌کند که در آن، روابط، انتظارات متقابل و احساس تعلق شکل می‌گیرند. اهمیت این رویکرد در آن است که وجود یک هدف سیاسی مشترک، به تنهایی برای توضیح دوام و انسجام یک اجتماع اعتراضی کافی نیست. افراد در جریان مشارکت، علاوه بر تبادل اطلاعات و هماهنگی فعالیت‌ها، درباره اعتماد، همکاری، مسئولیت‌پذیری و حدود رفتار قابل قبول نیز به توافق می‌رسند یا بر سر آن‌ها اختلاف پیدا می‌کنند. در چنین شرایطی، فضای اجتماعی جنبش از خلال تعاملات روزمره اعضا ساخته می‌شود و هویت جمعی به تجربه‌ای فراتر از پذیرش اصول ایدئولوژیک تبدیل می‌شود. عنوان فصل نیز بر همین وجه از موضوع تأکید دارد: انجمن رز سفید را باید محیطی برای شکل‌گیری روابط انسانی دانست، محیطی که در آن مشارکت سیاسی با تجربه‌های اجتماعی و عاطفی اعضا درهم‌تنیده است. این نگاه با جهت‌گیری کلی کتاب همخوانی دارد که برای شناخت اعتراض، به جای تمرکز صرف بر بیانیه‌ها و اهداف اعلام‌شده، زندگی روزمره و جهان زیسته کنشگران را نیز مهم می‌داند. باین‌حال، برای تعیین دقیق نوع روابط بررسی‌شده، نمونه‌های قوم‌نگارانه و نتیجه‌گیری‌های جزئی نویسنده، دسترسی به متن کامل فصل ضروری است.

نگاه به انجمن به مثابه فضای اجتماعی همچنین امکان بررسی تنش میان همبستگی و اختلاف را فراهم می‌کند. هر اجتماع اعتراضی برای استمرار فعالیت‌های خود به درجاتی از اعتماد و همکاری نیاز دارد، اما این امر به معنای حذف تفاوت‌های فردی یا توافق کامل اعضا نیست. تفاوت در انگیزه‌ها، برداشت‌های سیاسی، انتظارات از مشارکت و میزان تعهد می‌تواند بر روابط درونی اثر بگذارد و مرزهای تعلق را پیوسته تغییر دهد. از این منظر، فضای اجتماعی جنبش امری ثابت و از پیش تعیین‌شده نیست، بلکه در جریان تعامل، همکاری، تعارض و بازتعریف مناسبات بازتولید می‌شود. این مسئله به‌ویژه در گروه‌هایی اهمیت دارد که ساختار رسمی محدودی دارند و بخش مهمی از انسجام آن‌ها از طریق روابط غیررسمی برقرار می‌شود. در چنین گروه‌هایی، هویت جمعی ممکن است نه فقط از طریق پذیرش اصول سیاسی، بلکه از راه تجربه‌های مشترک، شیوه‌های ارتباطی و شناخت متقابل شکل بگیرد. بر همین اساس، فصل هفتم را می‌توان حلقه‌ای مهم میان تحلیل ایدئولوژی انجمن و بررسی زندگی‌نامه‌های کنشگران دانست: اصول و آرمان‌ها در سطح روابط اجتماعی به تجربه‌های عملی تبدیل می‌شوند و همین تجربه‌ها بر برداشت افراد از جنبش اثر می‌گذارند. این تفسیر با چارچوب کلی کتاب سازگار است، هرچند نسبت‌دادن نمونه‌های مشخصی از اعتماد، تعارض یا همکاری به نویسنده، بدون مشاهده متن فصل، موجه نخواهد بود.





۹. فصل نهم: زندگی‌نامه‌های اعتراض

فصل هشتم به زندگی‌نامه‌های کنشگران اعتراض می‌پردازد و از این طریق، سطح تحلیل را از ساختارها و فعالیت‌های جمعی به تجربه‌های فردی مشارکت‌کنندگان منتقل می‌کند. در معرفی رسمی کتاب، زندگی‌نامه‌ها و جهان‌های زیسته کنشگران از عناصر کلیدی برای فهم جمعی‌شدن دیجیتال، کنش سیاسی و تولید معنا و نظم اجتماعی معرفی شده‌اند. این تأکید نشان می‌دهد که برای فهم شکل‌گیری یک اجتماع اعتراضی، بررسی اهداف اعلام‌شده و شیوه‌های سازمان‌یابی آن کافی نیست؛ باید مسیرهایی را نیز شناخت که افراد را به مشارکت سوق می‌دهند و تجربه‌های پیشین آنان را به فعالیت‌های سیاسی پیوند می‌زنند. زندگی‌نامه در این معنا صرفاً شرحی از گذشته شخصی یک فرد نیست، بلکه راهی برای بررسی ارتباط میان تجربه فردی و شرایط اجتماعی و فرهنگی است. افراد با انگیزه‌ها، ارزش‌ها، تجربه‌ها و برداشت‌های متفاوت وارد یک اجتماع می‌شوند و در جریان مشارکت، ممکن است درک خود از سیاست، مقاومت و تعلق جمعی را تغییر دهند. مطالعه زندگی‌نامه‌ها امکان می‌دهد این فرایندها از منظر خود کنشگران بررسی شوند و تفاوت میان برداشت آنان از فعالیتشان و تصویری که از بیرون درباره جنبش ساخته می‌شود، آشکارتر شود. در نتیجه، این فصل را می‌توان تلاشی برای بازگرداندن تجربه انسانی به تحلیل اعتراض دانست؛ تحلیلی که در آن، کنشگران نه صرفاً اجزای یک ساختار جمعی، بلکه افرادی با مسیرهای زندگی و تفسیرهای خاص خود هستند.

اهمیت رویکرد زندگی‌نامه‌ای در مطالعه OpTrump# و انجمن رز سفید، در امکان بررسی رابطه متقابل میان فرد و اجتماع اعتراضی نهفته است. از یک سو، تجربه‌ها و انگیزه‌های شخصی بر نوع مشارکت افراد و معنایی که به فعالیت جمعی می‌دهند اثر می‌گذارند؛ از سوی دیگر، حضور در یک اجتماع اعتراضی می‌تواند بر هویت، روابط اجتماعی و برداشت افراد از موقعیت سیاسی خود تأثیر بگذارد. بنابراین، فرد و جنبش را نمی‌توان دو سطح مستقل دانست که تنها در لحظه مشارکت به یکدیگر متصل می‌شوند. آنچه در جریان اعتراض شکل می‌گیرد، نوعی رابطه متقابل است که در آن تجربه شخصی و کنش جمعی پیوسته یکدیگر را بازتعریف می‌کنند. این رویکرد همچنین می‌تواند به فهم تفاوت‌های درونی میان مشارکت‌کنندگان کمک کند؛ زیرا حضور افراد در یک عملیات یا انجمن لزوماً به معنای برخورداری از انگیزه‌های یکسان یا برداشت مشترک از اهداف سیاسی نیست. زندگی‌نامه‌ها امکان می‌دهند این تفاوت‌ها در بستر تجربه‌های واقعی بررسی شوند، نه آنکه در قالب تصویری یکدست از یک گروه نادیده گرفته شوند. در چارچوب کلی کتاب، چنین رویکردی مکمل مطالعه شبکه‌های ارتباطی، آرمان‌های سیاسی و شیوه‌های عملی مقاومت است. با این حال، برای مشخص کردن زندگی‌نامه‌های مورد استفاده، ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان و الگوهایی که نویسندگان از مقایسه روایت‌های آنان استخراج می‌کند، باید





به متن کامل فصل مراجعه کرد. آنچه بر اساس معرفی ناشر می‌توان با اطمینان بیان کرد، جایگاه محوری تجربه زیسته در فهم ابعاد فردی و جمعی اعتراض است.

۱۰. جمع‌بندی نهایی: درباره ابعاد فرهنگی و سیاسی #OpTrump و انجمن رز سفید

فصل نهم جمع‌بندی پژوهش را بر عهده دارد و دو مورد اصلی کتاب، یعنی عملیات #OpTrump و انجمن رز سفید، را در ارتباط با ابعاد فرهنگی و سیاسی اعتراض بررسی می‌کند. انتخاب این دو مورد به نویسنده امکان می‌دهد صورت‌های متفاوت کنش مقاومتی را در زمینه فرهنگ دیجیتال مقایسه کند؛ از عملیاتی که پیرامون نام انانیموس و مخالفت با دونالد ترامپ شکل گرفت تا انجمنی که از محیط فرهنگی مرتبط با انانیموس برخاست و به الگویی متمایز از سازمان‌یابی و فعالیت اعتراضی رسید. اهمیت مقایسه در آن است که تفاوت‌های میان این دو مورد، به‌جای آنکه صرفاً به‌عنوان تفاوت در ابزارها یا اهداف سیاسی در نظر گرفته شوند، می‌توانند برای فهم شرایط فرهنگی شکل‌گیری اعتراض به کار روند. معرفی رسمی کتاب بر سیال‌بودن انانیموس و قابلیت تفسیرپذیری آن تأکید دارد و نشان می‌دهد که این پدیده می‌تواند در مرز میان خرده‌فرهنگ، مقاومت، کنشگری و اجتماع شکل بگیرد و تغییر کند. از این منظر، نتیجه‌گیری کتاب به مسئله‌ای فراتر از دو مطالعه موردی محدود می‌شود: اینکه چگونه شکل‌های جدید مشارکت دیجیتال، مرزهای میان کنش فردی و جمعی را تغییر می‌دهند و چه پیامدهایی برای فهم هویت سیاسی، سازمان‌یابی و تولید معنا دارند. با وجود این، جزئیات نتیجه‌گیری نهایی نویسنده، از جمله گزاره‌های مشخصی که از مقایسه دو مورد استخراج می‌کند، باید بر اساس متن کامل فصل ارزیابی شود و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً از عنوان فصل استنتاج کرد.

در سطح تحلیلی، جمع‌بندی کتاب را می‌توان بازگشتی به پرسش محوری آن درباره تغییر شرایط فرهنگی و سیاسی اعتراض در عصر دیجیتال دانست. پاسخ به این پرسش مستلزم فاصله‌گرفتن از دو برداشت ساده‌انگارانه است: نخست، این تصور که فناوری دیجیتال به‌خودی‌خود شکل‌های جدیدی از مقاومت ایجاد می‌کند؛ دوم، این فرض که جنبش‌های فعال در فضای مجازی را می‌توان بر اساس نام، بیانیه یا هدف سیاسی اعلام‌شده آن‌ها به‌سادگی شناخت. رویکرد قوم‌نگارانه کتاب بر اهمیت بررسی زندگی کنشگران، روابط میان آن‌ها و معانی‌ای تأکید دارد که در جریان فعالیت مشترک تولید می‌شوند. در این چارچوب، اعتراض نه فقط ابزاری برای اثرگذاری بر تصمیم‌گیرندگان سیاسی، بلکه فرایندی برای شکل‌دادن به روابط اجتماعی، بازتعریف هویت‌ها و ایجاد نظم‌های جمعی است. مقایسه #OpTrump و انجمن رز سفید نیز از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد فعالیت‌های برخاسته از فرهنگ دیجیتال لزوماً به یک الگوی ثابت از کنشگری منتهی نمی‌شوند. صورت‌های اعتراضی می‌توانند در مسیر تحول خود، از نظر اهداف، روابط درونی و شیوه‌های مشارکت تغییر کنند و معانی متفاوتی پیدا کنند.





این برداشت با چارچوب نظری اعلام شده در معرفی کتاب سازگار است و می‌تواند مبنایی برای ارزیابی سهم اثر در مطالعات فرهنگی اعتراض و کنشگری دیجیتال باشد. در عین حال، برای نسبت دادن ادعاهای نهایی مشخص به نویسنده، باید میان این تفسیر کلی و استدلال‌های واقعی فصل پایانی تمایز گذاشت.

۱۱. مطالب پایانی کتاب

بخش پایانی کتاب در صفحات ۳۲۵ تا ۳۴۱ قرار دارد و پس از فصل نتیجه‌گیری می‌آید. در ساختار کتاب‌های دانشگاهی، این بخش معمولاً شامل منابع، یادداشت‌ها و سایر اطلاعات تکمیلی مورد نیاز برای پیگیری مبانی پژوهش است. اهمیت چنین بخشی در یک مطالعه قوم‌نگارانه، به‌ویژه در حوزه اعتراض دیجیتال، صرفاً کتاب‌شناختی نیست؛ منابع و ارجاعات می‌توانند نشان دهند که تحلیل نویسنده چگونه با ادبیات نظری درباره کنشگری، فرهنگ دیجیتال، روابط اجتماعی و روش‌های پژوهش کیفی ارتباط برقرار می‌کند. همچنین، بررسی منابع امکان می‌دهد میان داده‌های حاصل از پژوهش میدانی، تفسیرهای نظری نویسنده و پژوهش‌های پیشین تمایز گذاشته شود. از آنجا که کتاب کریستیان کربونارو در تقاطع انسان‌شناسی فرهنگی، مطالعات رسانه و پژوهش اعتراض قرار می‌گیرد، مطالعه منابع آن می‌تواند برای خوانندگانی که قصد دارند موضوعاتی مانند هویت جمعی، ناشناس‌بودن، سازمان‌یابی غیرمتمرکز یا رابطه فضای آنلاین و آفلاین را به‌طور مستقل دنبال کنند، مفید باشد. بااین‌حال، اطلاعات عمومی صفحه ناشر برای تعیین دقیق اجزای این بخش کافی نیست و نباید بدون مشاهده صفحات پایانی ادعا کرد که تمام موارد یادشده حتماً در آن وجود دارند.

بخش پایانی کتاب در صفحات ۳۲۵ تا ۳۴۱ قرار دارد و پس از فصل نتیجه‌گیری می‌آید. در ساختار کتاب‌های دانشگاهی، این بخش معمولاً شامل منابع، یادداشت‌ها و سایر اطلاعات تکمیلی مورد نیاز برای پیگیری مبانی پژوهش است. اهمیت چنین بخشی در یک مطالعه قوم‌نگارانه، به‌ویژه در حوزه اعتراض دیجیتال، صرفاً کتاب‌شناختی نیست؛ منابع و ارجاعات می‌توانند نشان دهند که تحلیل نویسنده چگونه با ادبیات نظری درباره کنشگری، فرهنگ دیجیتال، روابط اجتماعی و روش‌های پژوهش کیفی ارتباط برقرار می‌کند. همچنین، بررسی منابع امکان می‌دهد میان داده‌های حاصل از پژوهش میدانی، تفسیرهای نظری نویسنده و پژوهش‌های پیشین تمایز گذاشته شود. از آنجا که کتاب کریستیان کربونارو در تقاطع انسان‌شناسی فرهنگی، مطالعات رسانه و پژوهش اعتراض قرار می‌گیرد، مطالعه منابع آن می‌تواند برای خوانندگانی که قصد دارند موضوعاتی مانند هویت جمعی، ناشناس‌بودن، سازمان‌یابی غیرمتمرکز یا رابطه فضای آنلاین و آفلاین را به‌طور مستقل دنبال کنند، مفید باشد. بااین‌حال، اطلاعات عمومی صفحه ناشر برای تعیین دقیق اجزای این بخش کافی نیست و نباید بدون مشاهده صفحات پایانی ادعا کرد که تمام موارد یادشده حتماً در آن وجود دارند.





یافته‌های سیاستی:

چشم‌انداز سیاستی کتاب را می‌توان در گذار از کنترل رفتارهای منفرد به شناخت و تنظیم شرایطی دانست که کنش جمعی در آن شکل می‌گیرد. چنین رویکردی مستلزم آن است که سیاست‌گذاران میان اعتراض سیاسی، کنشگری مدنی، رفتارهای هنجارشکنانه و اقدامات واقعاً آسیب‌زا تمایز بگذارند و از یکسان‌انگاری آن‌ها پرهیز کنند. همچنین، ارزیابی سیاست‌ها باید علاوه بر فضای دیجیتال، پیامدهای آن‌ها برای روابط اجتماعی، امکان مشارکت عمومی و شکل‌گیری اجتماعات را نیز در نظر بگیرد. این چشم‌انداز به معنای تأیید تمام اشکال کنش اعتراضی نیست؛ بلکه بر ضرورت فهم زمینه، ماهیت و پیامد هر کنش پیش از مداخله سیاستی تأکید دارد. در این معنا، ارزش کتاب برای سیاست‌گذاری بیش از آنکه ارائه یک بسته آماده از مقررات باشد، در فراهم‌کردن چارچوبی تحلیلی برای طراحی مداخلات متناسب با پیچیدگی کنشگری معاصر است.

پنج نکته‌ی سیاست‌گذارانه

1. **ضرورت تفکیک اعتراض سیاسی از رفتارهای آسیب‌زا:** سیاست‌گذاری باید میان مخالفت سیاسی، کنش اعتراضی و فعالیت‌هایی که آسیب مشخصی ایجاد می‌کنند، تمایز بگذارد. انتساب یک اقدام به گروهی ناشناس یا هکری به‌تنهایی برای تعیین ماهیت و میزان خطر آن کافی نیست.
2. **توجه به قدرت و سلسله‌مراتب پنهان در شبکه‌ها:** حتی شبکه‌هایی که بر بی‌سلسله‌مراتبی تأکید دارند، ممکن است با تمرکز غیررسمی قدرت مواجه شوند. سیاست‌گذاران باید نقش کنشگران اثرگذار، سازوکارهای تصمیم‌گیری و امکان حذف صداهای کم‌قدرت‌تر را در تحلیل اجتماعات دیجیتال لحاظ کنند.
3. **تدوین سیاست‌های متناسب با پیوند آنلاین و آفلاین:** کنشگری دیجیتال را نباید مستقل از فعالیت‌های حضوری، روابط میان‌فردی و حضور در فضای عمومی بررسی کرد. ارزیابی سیاست‌ها باید تعامل میان این عرصه‌ها را در نظر بگیرد و از محدودکردن تحلیل به داده‌ها و شاخص‌های پلتفرمی بپرهیزد.
4. **لحاظ‌کردن تجربه زیسته در طراحی و ارزیابی سیاست‌ها:** روایت‌ها و انگیزه‌های کنشگران می‌توانند تفاوت میان اهداف اعلام‌شده، تجربه مشارکت و پیامدهای واقعی یک حرکت را آشکار کنند. پژوهش کیفی و قوم‌نگاری دیجیتال باید در کنار تحلیل‌های کمی، بخشی از فرایند شناخت و ارزیابی سیاستی باشند.
5. **توجه به زمینه فرهنگی و تاریخی کنشگری:** شبکه‌های اعتراضی در خلأ شکل نمی‌گیرند؛ آن‌ها از فرهنگ‌های آنلاین، تجربه‌های پیشین و نمادهای مشترک تأثیر می‌پذیرند. سیاست‌گذاری مؤثر باید این زمینه‌ها را بشناسد تا از تعمیم شتاب‌زده نتایج یک مورد به تمام جنبش‌ها و اجتماعات دیجیتال جلوگیری کند.





نقاط قوت:

۱. عبور از تقلیل‌گرایی فناورانه

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت کتاب، تقلیل‌ندادن اعتراض دیجیتال به ابزارهای ارتباطی و توانایی‌های فنی است. تمرکز بر فرهنگ، روابط اجتماعی و تجربه زیسته نشان می‌دهد که فناوری به‌تنهایی ماهیت سیاسی کنش را تعیین نمی‌کند. این رویکرد با نقدهای دانشگاهی به دوگانه‌سازی ساده میان کنشگری دیجیتال و غیردیجیتال هم‌راست است.

۲. استفاده از قوم‌نگاری برای فهم سازوکارهای درونی اعتراض

قوم‌نگاری امکان بررسی تفاوت میان اهداف اعلام‌شده، تجربه روزمره مشارکت و مناسبات واقعی میان کنشگران را فراهم می‌کند. این روش به‌ویژه برای مطالعه اجتماعات سیال و فاقد ساختار رسمی مناسب است؛ زیرا به‌جای اتکا به تصویر عمومی جنبش، به فرایندهای تولید معنا، شکل‌گیری هویت و تعارض‌های درونی توجه می‌کند.

۳. مقایسه دو صورت متفاوت کنشگری دیجیتال

قرار دادن OpTrump# در کنار انجمن رز سفید، امکان مقایسه یک عملیات اعتراضی با یک اجتماع دارای الگوی متمایز از شبکه‌سازی و فعالیت را فراهم می‌کند. این انتخاب، تفاوت میان بسیج مقطعی، هویت مشترک و شکل‌گیری روابط اجتماعی پایدارتر را برجسته می‌سازد و از فرض وجود یک الگوی واحد برای تمام جنبش‌های دیجیتال فاصله می‌گیرد.

۴. پیوند زدن تجربه فردی به ساختار اجتماعی و سیاسی

توجه به زندگی‌نامه‌ها و جهان زیسته کنشگران، از نقاط قوت مهم چارچوب کتاب است. این رویکرد نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی را نمی‌توان فقط از طریق ساختارهای سازمانی یا اهداف ایدئولوژیک توضیح داد؛ مسیرهای زندگی، انگیزه‌ها و روابط انسانی نیز در شکل‌گیری کنش جمعی نقش دارند. چنین پیوندی میان سطح خرد و سطح کلان، ظرفیت تحلیلی اثر را افزایش می‌دهد.

نقدها:

۱. محدودیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها

تمرکز بر دو مطالعه موردی، امکان تحلیل عمیق را فراهم می‌کند، اما تعمیم نتایج به جنبش‌های اعتراضی در بافت‌های سیاسی و فرهنگی متفاوت را محدود می‌سازد. برای تقویت اعتبار تطبیقی، لازم است تفاوت‌های نهادی، جغرافیایی و حقوقی میان اجتماعات اعتراضی نیز بررسی شوند. این محدودیت به معنای ضعف ذاتی قوم‌نگاری نیست، بلکه مرز استنباط از نمونه‌های مورد مطالعه را مشخص می‌کند.



۲. دشواری تفکیک روایت کنشگران از واقعیت کنش جمعی

تکیه بر زندگی‌نامه‌ها و جهان زیسته مشارکت‌کنندگان، تجربه‌های کمتر دیده‌شده را آشکار می‌کند، اما ممکن است روایت‌های شخصی را بیش از اندازه برجسته سازد. خاطرات، خودبازنمایی و توجیه پسینی رفتارها لزوماً با روند واقعی تصمیم‌گیری جمعی یکسان نیستند. ترکیب روایت‌ها با اسناد، ردپاهای دیجیتال و مشاهده مستقل می‌تواند این مسئله را کاهش دهد.

۳. نیاز به تحلیل نظام‌مندتر مناسبات قدرت

تأکید بر سیال‌بودن انانیموس و فقدان رهبری رسمی، برای فهم ساختارهای غیرمتمرکز مفید است، اما خطر کم‌رنگ‌شدن قدرت غیررسمی را نیز دارد. پژوهش درباره انانیموس نشان می‌دهد که حتی شبکه‌های مدعی افقی‌بودن می‌توانند با تمرکز موقت قدرت و نفوذ برخی کنشگران مواجه شوند. بنابراین، تحلیل اعتماد، دسترسی، نفوذ و کنترل روایت باید در کنار توصیف فرهنگ جمعی قرار گیرد.

۴. فاصله میان تبیین فرهنگی و ارزیابی پیامدهای سیاسی

تحلیل معانی، هویت‌ها و روابط اجتماعی برای شناخت اعتراض ضروری است، اما به‌تنهایی نشان نمی‌دهد که یک عملیات تا چه اندازه به اهداف سیاسی خود رسیده یا چه پیامدهایی برای نهادها و جامعه داشته است. برای تکمیل چنین رویکردی، باید میان تولید معنا، بسیج مشارکت‌کنندگان، تأثیرگذاری عمومی و تغییرات نهادی تمایز گذاشت و شواهد هر سطح را جداگانه سنجید.





انديشكده فرهنگ و توسعه

باشگاه كتاب فرتو